[خطبه‌ی اول 3](#_Toc466455951)

[واقعه‌شناسی حادثه‌ی عاشورا 3](#_Toc466455952)

[مقایسه‌ی حادثه‌ی کربلا با حج 3](#_Toc466455953)

[عاشورا، جامع همه‌ی خصوصیات جنگ‌های صدر اسلام 4](#_Toc466455954)

[تقدم رتبی عاشورا بر همه‌ی مبارزات حق‌جویانه‌ی تاریخ 4](#_Toc466455955)

[تبلور عزت در واقعه‌ی کربلا 5](#_Toc466455956)

[تعقیب دو خط عدم بهانه دادن به دست دشمن و مقاومت عزتمندانه در برابر دشمن در واقعه‌ی کربلا 5](#_Toc466455957)

[نمونه‌هایی از شجاعت و دلیری امام حسین(ع) در طول راه 7](#_Toc466455958)

[روضه 10](#_Toc466455959)

[خطبه‌ی دوم 12](#_Toc466455960)

[علی(ع) و توصیه‌ی به رعایت تقوای الهی 12](#_Toc466455961)

[نامگذاری سال 81 به سال عزت و اقتدار حسینی 13](#_Toc466455962)

[حادثه‌ی 11 شپتامبر، مهم‌ترین واقعه در سال 80 13](#_Toc466455963)

[علت پدید آمدن جنایاتی مانند 11 سپتامبر 13](#_Toc466455964)

[پیشرفت و توسعه‌ی بشریت و جنگ‌ها و خون‌ریزی‌ها دو روی سکه‌ی قرن بیستم 14](#_Toc466455965)

[عزت حسینی مهم‌ترین درس برای عصر حاضر 15](#_Toc466455966)

[توجه به امر به معروف و نهی از منکر در این ایام 15](#_Toc466455967)

[**دعا** 15](#_Toc466455968)

خطبه‌ی اول

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیۀ الله فی الارضین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) «وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی»[[3]](#footnote-3)**

همه شما نمازگزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

## واقعه شناسی حادثه‌ی عاشورا

در این ایام بسیار مهم که شروع سال، با ایام سوگواری اباعبدالله الحسین(ع) تقارن پیدا کرده و ما در عزای سید و سالار شهیدان هستیم، ضرورت دارد که خطبه‌ی اول را به شخصیت ایشان و پیرامون عاشورا اختصاص بدهیم. همان‌طور که مستحضر هستید در سال 1381 شمسی، دو عاشورا وجود دارد. آغاز این سال با عاشورای امام حسین(ع) است و در پایان این سال هم عاشورای دیگری است. به همین دلیل و مناسبت است که سال 81 سال عزت و افتخار حسینی نامیده شده است. عرایض بنده هم در این خطبه به همین موضوع اختصاص دارد.

### مقایسه‌ی حادثه‌ی کربلا با حج

عاشورا، یک مکتبی است که در آن هر درسی برای انسان‌سازی و کمال انسان وجود دارد. من این نکته را در چند جا عرض کردم که عاشورا مانند حج است. همان‌طور که در عبادات اسلامی، حج یک عبادتی است که فراگیر و جامع است و در درون حج، نماز و سایر عبادات هم گنجانده‌شده است. یکی از تفاوت‌های حج با عبادات دیگر همین است که حج، جامع همه‌ی عبادات دیگر است. اگر عبادات دیگر نماز، روزه، انفاق، هجرت، خمس و این تکالیف الهی است، همه‌ی این‌ها به‌نوعی در حج جمع شده است. حج یک جام تمام‌نمای عبادات است. همه‌ی عبادات و تکلیف الهی به‌نوعی در درون حج گنجانده‌شده است. ازاین‌جهت است که حج، از این جامعیت برخوردار است و امتیاز حج این است که جامع عبادات دیگر است. این خصوصیت در حج هست. در وقایع تاریخی هم عاشورا همین خصوصیت را دارد. یعنی همان‌طور که حج در مقایسه‌ی با عبادات، نماز و روزه، خمس، جهاد، هجرت، انفاق‌ همان‌طور که حج همه‌ی آن‌ها را در خود جمع کرده، عاشورا هم نسبت به حوادث و وقایع دیگر تاریخ اسلام، یک واقعه‌ی جامع است؛ یعنی هر چه که در جنگ‌ها و صلح‌ها و وقایع و حوادثی که در طول تاریخ اسلام و صدر اسلام رخ‌داده را پیدا کنید، نشانه‌ای از آن در عاشورا جمع است.

### عاشورا جامع همه‌ی خصوصیات جنگ‌های صدر اسلام

ازاین‌جهت است که عاشورا به نحوی جامع، بدر، احد، حنین، احزاب، جامع صلح، جنگ و همه‌ی آن چیزهایی است که در وقایع زمان پیامبر گرامی اسلام(ص) اتفاق افتاده است، همه‌ی آن‌ها در عاشورا جمع شده است؛ یعنی هر چه که درباره‌ی جنگ بزرگ بدر بگویید، جنگی که در قله‌ی جنگ‌های اسلام است. جنگ بدر از جنگ‌های بسیار مهم صدر اسلام است. جنگ بدر جنگی است که در بزنگاه مهم تاریخ اسلام رخ‌داده است. در یک شرایطی که تمام اسلام، در برابر کفر قرارگرفته بود؛ در شرایطی که اگر جبهه‌ی دشمن پیروز می‌شد، تمام نشانه‌های وحی محو می‌شد، مسلمانان با عده‌ی بسیار کم و تجهیزات بسیار ناچیز در یک نقطه‌ی بسیار حساس، مقاومت کردند و در مقابل انبوه دشمن و کفار و مشرکان قریش، پیروز شدند. ازاین‌جهت است که جنگ بدر جنگ بسیار مهمی است. جنگ بدر با غالب جنگ‌های دیگر فرق می‌کرد چون بر سر دوراهی قرارگرفته بود؛ یا پیروزی مطلق یا شکست مطلق. آن‌هم با عده‌ی کمی که مسلمانان از آن برخوردار بودند. این جنگ بدر است که هرچه در عظمت و ابعاد آن بگوییم کم گفته‌ایم که اثرات عمیقی در پیروزی اسلام و تحقق اهداف رسالت رسول خدا داشت.

در جنگ احد به‌هرحال مسلمانان شکست خوردند اما جنگ بسیار مهمی بود و حضرت حمزه در آن جنگ به سیدالشهدا معروف شد. جنگ‌ احزاب یا خیبر از جنگ‌هایی هستند که در تاریخ اسلام جایگاه بسیار مهمی دارند. اثر آن در ماندگاری اسلام و پیام اسلام، بسیار عمیق و مهم بود. این جنگ‌های پیامبر است. فتح مکه، صلح حدیبیه و این وقایعی که در تاریخ رسول خدا اتفاق افتاد. جنگ‌هایی که در زمان امیرالمؤمنین(ع) اتفاق افتاد که هرکدام از این وقایع در جای خود دنیایی از درس در آن‌ها هست؛ اما در عاشورا یک‌چیزی است که فوق همه‌ی آن‌هاست.

### تقدم رتبی عاشورا بر همه‌ی مبارزات حق‌جویانه‌ی تاریخ

عاشورا بدر، احد، خیبر، فتح مکه و بقیه را نسخ کرد و بر همه‌ی آن‌ها تقدم پیدا کرد و لقب بزرگی که به حضرت حمزه اختصاص پیدا کرده بود به امام حسین(ع) منتقل شد. اصحاب امام حسین(ع) بر اصحاب بدر که از بهترین در تاریخ اسلام نمونه و الگو و موردتوجه جامعه‌ی اسلامی بودند، تفوق پیدا کردند. همه‌ی این عظمت‌ها در عاشورا هست. اما در عاشورا راز و رمزی است که همه‌ی آن‌ها در عاشورا جمع شده است. ازاین‌جهت است که عاشورا جامع است. عاشورا و سفر کربلایی حسین(ع) سفر خدایی ایشان یک سفری شد که فوق آن هجرت، جهاد، دفاع، مقاومت، بردباری، ایثار و درس‌های بزرگ الهی در هیچ جایی مانند عاشورا جمع نیست. بنابراین در درون عاشورا گویا همه‌ی تاریخ اسلام و مبارزه‌ی حق‌جویان تاریخ، در عاشورا جمع است و گویا همه‌ی آن درس‌ها و عبرت‌ها و الگوهای بزرگی که در معارف اسلام وجود دارد، در روز و شب عاشورا و در سفر بزرگ الهی امام حسین(ع) جمع شده است. این است که عاشورا باقی است. این است که ما آگاهانه یا ناآگاهانه به آن عشق می‌ورزیم و این به خاطر این است که مثل عاشورا در تاریخ وجود ندارد. عظمتی که در عاشورا اتفاق افتاده، در جای دیگر نیست. درس‌های بزرگ‌ الهی، اخلاقی، انسانی و خدایی که در تاریخ اسلام و انبیاء الهی پخش هست، همه در عاشورا جمع است. این است که عاشورا باقی است. این نکته‌ی مهمی در تاریخ اسلام است.

### تبلور عزت در واقعه‌ی کربلا

چون امسال به نام عزت و افتخار حسینی نامیده شده، من به یک نکته‌ای از عاشورا اشاره کنم که نشان‌دهنده‌ی عزت اسلام، سرافرازی دینی، بزرگواری روحی و منش عالی انسانی را در فرازهایی که شما هم معمولا آن را شنیده‌اید، یادآوری می‌کنم و در کنار این فرازها قرار می‌دهیم تا ببینیم که در عاشورای امام حسین(ع) در واقعه‌ی بزرگ کربلا که آن‌همه درس‌ها جمع است، چطور عزت الهی متبلور شده است؛ یعنی در عاشورا ده‌ها درس عبادی، معنوی، اخلاقی‌، عرفانی و جهادی وجود دارد و یکی از مهم‌ترین تابلو‌های عاشورا عزت جامعه‌ی اسلامی است. آن عزت و بزرگواری که در مکتب امام حسین(ع) و در قصه‌ی عاشورا به‌صورت اتم جمع شده و خود را نشان داد و درسی به آیندگان و مسلمانان و غیرمسلمانان در خصوص عزت و بزرگواری و منش انسانی باقی گذاشت که مانند این درس در تاریخ بشریت نمی‌توان جستجو کرد. این نکته را ما نمی‌گوییم. این را متفکران غیرمسلمان، امثال گاندی و مستشرقین بزرگ و نویسندگان غیرمسلمان به این نکته اشاره کرده‌اند که در عاشورا شاهد یک عظمتی هستیم که هیچ قطعه‌ی تاریخی مانند آن وجود ندارد. این عاشورا است که ده‌ها نویسنده و متفکر غیرمسلمان و غیر شیعی در خصوص عاشورا نوشته‌اند و بخصوص دریکی دو قرن اخیر، ده‌ها کتاب دانشمندان اهل سنت درباره امام حسین(ع) و واقعه‌ی عاشورا نوشته‌اند و هرچه بیشتر در قرن اخیر حتی غیر شیعه و اهل سنت، اقبال نسبت به عاشورا اقبال کردند و برگشتند و دیدند که در واقعه‌ی عاشورا درس‌هایی است که احیاناً گذشتگان آن‌ها از آن‌ها غافل بودند و یکی از مهم‌ترین آن‌ها درس عزت، تربیت انسان‌ها بر اساس عزت و بزرگ‌منشی و بزرگواری است.

#### تعقیب دو خط عدم بهانه دادن به دست دشمن و مقاومت عزتمندانه در برابر دشمن در واقعه‌ی کربلا

من نمونه‌هایی از این را یادآوری می‌کنم. امام حسین(ع) دو چیز را با هم در قصه‌‌ی کربلا نشان داده است. یکی این‌که تلاش همیشگی امام حسین(ع) بر این بوده که شروع‌کننده‌ی جنگ نباشد. تلاش می‌کرد که بهانه به دست دشمن ندهد. در تاریخ ثبت‌شده که در چند مورد شرایط مساعدی پدید آمد که امام حسین(ع) جنگ کند و ضربه‌ی کاری به دشمن بزند؛ اما چون آغازگر جنگ بود، قبول نمی‌کرد. در چند مورد به امام پیشنهاد شد که موقعیت خوبی است اما امام فرمود من آغازگر جنگ نمی‌شوم. زمانی که حر آمد، امام می‌توانست ضربه‌ی کاری به آن‌ها وارد کند و این پیشنهاد هم شد؛ اما چون این آمادگی را نداشت که آغازگر جنگ باشد، امام شروع جنگ را اجازه ندادند. بنابراین در خط برنامه‌ریزی امام حسین(ع) دو چیز با هم جمع شده است؛ یکی این‌که بهانه‌ای به دست دشمن ندهد. شروع‌کننده‌ی جنگ نباشد.

این از یک‌سو اما از طرف دیگر امام حسین(ع) این را نشان داد که اگر معرکه‌ای پیش بیاید با کمال عزت و شجاعت، مقاومت خواهد کرد. تا جایی که راه داشت، تا صبح عاشورا در طول سفر از مدینه که بیرون آمدند؛ به مکه آمدند و از مکه بیرون آمدند و چون می‌دانستند که آنجا ترور خواهند شد و حرمت حرم از بین خواهد رفت تا منزلگاه‌ها را که طی می‌کردند تا زمانی که خبر شهادت مسلم را به امام دادند تا صبح عاشورا ده‌ها فرصت بود که امام شروع‌کننده‌ی جنگ باشد و بهانه به دست آن‌ها بدهد و آن‌ها سوژه‌ای پیدا کنند و بعد هم روی آن مانور بدهند. همه‌جا امام حسین(ع) احتیاط کامل داشت در این‌که حجت را بر خصم تمام کند و شروع‌کننده‌ی کارزار جنگ نباشد.

این یک طرف قضیه است؛ اما آن‌طرف قضیه هم در واقعه‌ی عاشورا شاهد یک شجاعت، پایداری هستیم که ضرب‌المثل تاریخ بشریت است. در تاریخ بشریت این‌طور عزت و عظمت و شجاعت وجود ندارد. من در طول یکی دو روز اخیر تمام واقعه‌ی عاشورا را به چند کتاب مراجعه کردم و دیدم که بارها امام حسین(ع) تلاش دارد که جلوی جنگ و خون‌ریزی را بگیرد؛ بهانه‌ای به دشمن ندهد و شروع‌کننده‌ی جنگ نباشد؛ حجت را به‌صورت کامل بر مردم عصر خود تمام کند. جای‌جای تاریخ کربلا و قصه‌ی عاشورا اتمام‌حجت، بهانه به دست دشمن ندادن، شروع‌کننده نبودن جنگ، نمایان است و عجیب این است که در همه‌جا امام حسین(ع) احساس عظمت و بزرگی می‌کنید جایی که هیچ جا انسان احساس نمی‌کند که کوچک‌ترین نقطه‌ی ضعفی نشان داده باشد. احساس کوچکی و ضعف در عاشورا دیده نمی‌شود. در اوج مظلومیت، می‌بینیم آن عظمت، صلابت، پایداری و شجاعت خود را حضرت نشان می‌دهد. حضرت این دو خط را با هم تعقیب می‌کرد. این‌که شروع‌کننده نباشد و حجت را بر خصم تمام کند و هر چه بیشتر به مردم آن زمان آگاهی ببخشد.

درعین‌حال خط دوم حضرت این بود که کوچک‌ترین ضعفی از این قافله‌ی نور، پیدا نشود و برای همین حضرت کسانی را که از مکه همراه حضرت بودند و در منزل‌های بین راه به حضرت ملحق شده بودند همه‌ی آن‌ها را بعد از اعلام شهادت حضرت مسلم در یکی از منزلگاه‌ها مرخص کرد. برای این‌که در جبهه‌ی امام حسین(ع) و درصحنه‌ی پیکار، افراد ضعیف و انسان‌های مرعوب و ترسو و انسان‌های کوچک نباید حضور داشته باشند. خداوند خواسته بود در تاریخ اسلام، جبهه‌ی حقی گشوده شود و ضرب‌المثل عزت و عظمتی در تاریخ زده شود که در داخل آن جبهه، انسان ترسو، سست ایمان و انسان دورو و مرعوب، حضور نداشته باشد. در یکجا حضرت بهانه به دست دشمن نداد و آغازگر جنگ نبود ولی در همه‌جا اوج عظمت و بزرگی را نشان می‌داد. به خاطر همین هم خیلی از افرادی که از مکه به همراه امام بودند را رها کرد و بارها حضرت این را اعلام کرد و در شب عاشورا هم این را اعلام کرد ولی به‌احتمال‌قوی در شب عاشورا کسی نرفت. انسان‌های ترسو و ضعیف صفشان قبل از تاسوعا و عاشورا جداشده بود. این خط کاری امام حسین(ع) بود. این عظمت و بزرگی و شجاعت و دلیری در راه خدا و نشان ندادن ضعف در برابر دشمن، با آگاهی دادن و بهانه ندادن به دشمن همراه بود. بهانه‌ای به دشمن نداد. آگاهی هر چه بیشتر به جامعه داد؛ اما از خود ترس و زبونی از خود نشان نداد.

##### نمونه‌هایی از شجاعت و دلیری امام حسین(ع) در طول راه

نمونه‌ی اول آن زمانی است که حضرت از مکه به سمت کوفه حرکت کرده بودند. در آنجا سخنرانی کرده بودند که جمله‌های مفصلی «**استخُطَّ الْمَوْتُ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَخَطَّ الْقِلَادَةِ عَلَى جِيدِ الْفَتَاةِ**»[[4]](#footnote-4) مرگ سرنوشت محکوم بشر است که کسی نمی‌تواند خود را از آن رهایی ببخشد. با این جمله می‌فهماند که سرانجام این قافله، مرگ و شهادت است. «**مَنْ كَانَ فِينَا بَاذِلًا مُهْجَتَهُ مُوَطِّناً عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا**»[[5]](#footnote-5) این اولین و یکی از مهم‌ترین تابلوهای شجاعت و دلیری و عزت الهی است که امام حسین(ع) روشن می‌کند. وقتی‌که از مکه بیرون می‌آید می‌‌فرماید: آگاه باشید پایان زندگی انسان مرگ است و با این جمله نشان می‌دهد که سرنوشت این قافله، مرگ و شهادت است. کسانی با من حرکت کنند که خود را آماده‌ی لقاء خدا کرده‌اند. کسانی که آماده‌ هستند خون خود را درراه خدا تقدیم کنند و خون آن‌ها برای خدا ریخته شود، با من بیایند. این شروع دومین حرکت حضرت از مکه به سمت کوفه است و نهایتاً به سمت کربلا و شهادتگاه است. در بین راه هم وقتی‌که قصه‌ی شهادت مسلم به حضرت می‌رسد و حضرت مسیر را به نحوی تغییر می‌دهند و روشن می‌شود که به سمت شهادت باید حرکت کنند، حضرت خطبه‌ای می‌خوانند و می‌فرمایند: «**وَ قَدْ خَذَلَنَا شِيعَتُنَا**»[[6]](#footnote-6) شیعیان ما در کوفه ما را یاری نکردند و ما را تنها گذاشتند. «**فَمَنْ أَحَبَّ مِنْكُمُ الِانْصِرَافَ فَلْيَنْصَرِفْ فِي غَيْرِ حَرَجٍ لَيْسَ عَلَيْهِ ذِمَام**»[[7]](#footnote-7)‏ هرکسی می‌خواهد برود، برود. تمام عزت و بی‌نیازی خود را نشان می‌دهد. عزت امام دو نمود دارد. یکی در برابر کسانی که همراه امام هستند. حضرت می‌خواهد نشان دهد که در این کار بزرگ، الگوی عالی شجاعت، نیازمند به انسان‌های ترسو و ضعیف نیستم. این یک عزت حسینی است که هرکسی می‌خواهد برود، برود. خبر مسلم رسیده است و امیدی به پیروزی در کوفه نیست و هرکسی می‌خواهد برود، برود. این عزت حسینی است. این خطبه را که حضرت خواندند چند هزارنفری که به امید نام و نشان بودند، راوی می‌گوید: «**فَتَفَرَّقَ النَّاسُ عَنْهُ وَ أَخَذُوا يَمِيناً وَ شِمَالًا حَتَّى بَقِيَ فِي أَصْحَابِهِ الَّذِينَ جَاءُوا مَعَهُ مِنَ الْمَدِينَة**»[[8]](#footnote-8) کسی باقی نماند جز همان کسانی که از مدینه آمده بودند. کسانی هم که از مدینه آمده بودند، حدود 70 تا 130 نفر است که در تاریخ اختلافی است. با زن و کودکان حداکثر 300- 400 نفر بودند. چند هزار جمعیت همراه شده با امام در این مسیر، با این خبر، ترس آن‌ها را گرفت و آن‌ها رفتند و حضرت هم آن‌ها را رها کرد. عزت حسینی اقتضای این را داشت که انسان‌های ترسو بروند. این بخشی از عزت حسینی است که در این منزل‌ها نمودار می‌شود. در منزل دوهر یکی از منازل دیگر، همان‌جایی که با حر نماز خواند. وقت نماز که شد امام به حر فرمود: شما جدا نماز می‌خوانید یا با ما نماز می‌خوانید؟ علیرغم این‌که به دشمنی حضرت آمده بود،گفت: ما هم به تو اقتدا می‌کنیم. همه به امام اقتدا کردند. بعد از نماز ظهر، حضرت خطبه‌ای خواندند. « **وَ إِنَّ الدُّنْيَا تَغَيَّرَتْ وَ تَنَكَّرَت**‏»[[9]](#footnote-9) مردم، آگاه باشید که دنیا چهره‌ی بدی نشان می‌دهد و خوبی‌های دنیا پشت کرده است. «**أَ لَا تَرَوْنَ إِلَى الْحَقِّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ إِلَى الْبَاطِلِ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ**»[[10]](#footnote-10). نمی‌بینید که چگونه به‌حق عمل نمی‌شود و جامعه از منکر، نهی نمی‌کند.«**لِيَرْغَبِ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ رَبِّهِ حَقّاً حَقّاً**»[[11]](#footnote-11) شایسته است به‌تمام‌معنا که مؤمن در جامعه‌ای که این‌طور حق زیر پا گذاشته‌شده، امید به مرگ داشته باشد و در آرزوی مرگ به سر ببرد. این تابلوی دیگر عزت امام در برابر دشمن است. یک عزت امام این بود که من نیاز ندارم و باید خیلی خالص باشید تا در این جبهه حضور پیدا کنید و در مقابل دشمن هم این هست که من در برابر ظلم تسلیم نمی‌شوم.« **فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَما**»[[12]](#footnote-12) من مرگ را با ظالمین، خواری می‌بینم و شهادت در راه خدا و در راه احیای کلمه‌ی خدا، کمال سعادت و افتخار می‌بینم. بعد فرمودند: «**إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا**»[[13]](#footnote-13) این مردمی که گرد ما را گفته‌اند یا کسانی که از ما جدا شدند، بندگان دنیا بودند و مردان آخرت اندک هستند.

**تهدید امام حسین(ع) توسط حر و جواب حضرت**

وقتی‌که حر در همین منازلی که همراه حضرت بود و حضرت را به مرگ تهدید کرد، عظمت حسینی به این شکل نمودار شد و شعری خواندند و فرمودند: من جوابی ندارم و ابتدا شعری برای تو می‌خوانم. «**سَأَمْضِي فَمَا بِالْمَوْتِ عَارٌ عَلَى الْفَتَى إِذَا مَا نَوَى حَقّاً وَ جَاهَدَ مُسْلِما**»[[14]](#footnote-14) تو چه می‌گویی و مرا از مرگ می‌ترسانی؟ بر انسان مؤمن باکی نیست وقتی‌که اندیشه‌ی پاک دارد و در راه خدا اقدام کرده، مرگ بر انسان مؤمن، عار نیست. بعد حضرت فرمودند: من کسی نیستم که از مرگ بترسم. در مسیر عزت و احیای حق، مرگ چیز کوچکی است. مرگ در راه عزت و عظمت، حیات و زندگی جاودان است. افلاموت تخونی. آیا مرا از مرگ می‌ترسانی؟ گمان باطلی است که تو می‌بری. حسین از مرگ نمی‌ترسد. این فکر اشتباهی است که در ذهن تو خطور کرده است. بعد فرمود: « **قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ القلة السَّلَّةِ وَ الذِّلَّة**»[[15]](#footnote-15) مردم آگاه باشید و بدانید که زنازاده‌ی فرزند زنازاده مرا بین دو چیز مخیر کرده و مرا بر سر دو راهی قرار داده است. می‌گوید: یا تسلیم شو و ذلت و خواری را بپذیر یا شمشیر در برابر توست. «**وَ هَيْهَاتَ مَا آخُذُ الدَّنِيَّة»** هرگز امکان ندارد که من راه خواری و ذلت را بپذیرم. من از مرگ باروی باز استقبال می‌کنم. «**أَبَى اللَّهُ ذَلِكَ وَ رَسُولُهُ وَ جُدُودٌ طَابَتْ وَ حُجُورٌ طَهُرَتْ**‏». خدا و رسول خدا، پدران پاک و دامن‌های پاکی که ما را پرورش داد برای ما نمی‌پسندد که تسلیم زورگویان و جباران شویم. «**أَبَى اللَّهُ ذَلِكَ وَ رَسُولُهُ وَ جُدُودٌ طَابَتْ وَ حُجُورٌ طَهُرَتْ وَ أُنُوفٌ حَمِيَّةٌ وَ نُفُوسٌ أَبِيَّة**‏» ما در دامن مادران بزرگ‌منش و باعزتی پرورش‌یافته‌ایم که شیر آن‌ها، ذلت و خواری را بر ما حرام کرده است. ما از نسل انسان‌های بزرگ و عظیمی هستیم که درس زندگی آن‌ها برای ما درس عزت و عظمت است. «**لَا تُؤْثِرُ مَصَارِعَ اللِّئَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ**» ما هرگز طاعت و پیروی بداندیشان و افراد پست و خوار را بر مرگ ترجیح نخواهیم داد. اگر بر سر دوراهی عزت و عظمت و خواری قرار بگیریم، عزت را انتخاب می‌کنیم ولو به مرگ و شهادت بیانجامد.

**پایداری و حفظ عزت، وصیت امام حسین(ع) به اهل‌بیت**

حضرت زمانی هم که با اهل خیمه و زنان، وداع می‌کردند فرمودند: آماده‌ی سختی‌ها باشید و بدانید که خداوند شما را حفظ خواهد کرد و پشتیبان شما خواهد بود. به‌زودی شر دشمنان شما از سر شما کوتاه خواهد شد. عاقبت امر شما به خیر ختم می‌شود و خداوند دشمنان شما و انسان‌های نابکاری که به جنگ ما آمده‌اند را به انواع بلاها مبتلا خواهد کرد و خدا به‌جای این سختی‌ها، به شما انواع کرامت و عزت، عنایت می‌کند. ازاین‌جهت خاطر شما جمع باشد که شما که همه‌ی وجودتان را در طبق اخلاص گذاشته‌اید و در پیشگاه خدا قربانی کرده‌اید، به شما انواع کرامت و بزرگی عنایت خواهد کرد. بنابراین لب به شکایت نگشایید و چیزی نگویید که قدر شما پایین بیاید. شما عزت و افتخار خود را حفظ کنید. این گوشه‌هایی از عزت و عظمت امام حسین(ع) بود که در عاشورا نشان داد. قافله‌ی اسرا هم همین‌طور بود. طبع اسارت این است که افراد شکست خورده‌اند و منفعل شده‌اند. انسان‌های اسیر در وجودشان یک نوع انفعالی پیدا می‌شود؛ اما در غافله‌ی اسارت، انفعال و ترس وجود ندارد؛ یعنی همان زنان و کودکان باقیمانده که آن‌همه حوادث تلخ عاشورا را دیده بودند، از خود ضعف و خواری نشان ندادند و در رأس آن‌ها زن قهرمان تاریخ، حضرت زینب3 است که وقتی به اولین مجلس بعد از شهادت امام حسین(ع) وارد شدند و مجلسی که همه‌ی امکانات در اختیار آن‌ها بود، حضرت فرمودند: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِمُحَمَّدٍ وَ طَهَّرَنَا تَطْهِيرا**»[[16]](#footnote-16) با کمال شهامت در برابر ابن‌زیاد می‌گوید: سپاس خدایی را که ما را کرامت بخشید و عزیز کرد. ما با شهادت و این سختی‌ها، هرگز ذلیل نشدیم. «**وَ طَهَّرَنَا تَطْهِيرا»**. ما خاندان پاک هستیم و در جواب ابن‌زیاد که گفت: دیدید که خدا چگونه شما را مفتضح کرد، زینب اسیر فرمود: «**إِنَّمَا يَفْضَحُ اللَّهُ الْفَاسِقَ وَ يُكَذِّبُ الْفَاجِر**» شما مفتضح شدید و پرونده‌ی شما در تاریخ تاریک شد. بعد می‌فرماید: همه خوبی بود. همان عزتی که در مدینه و مکه و منا و در طول راه و در روز تاسوعا و عاشورا نمایان شد، در روح قافله‌ی اسرا همان عزت، شجاعت، دلیری، مقاومت باقی ماند و به کوفه و شام منتقل شد. در مجلس یزید می‌فرماید: اگر این سختی‌ها بر ما وارد شد، اما ما ذلیل نشدیم «**أني و الله يا عدو الله و ابن عدوه أستصغر قدرك»[[17]](#footnote-17)**‏. این دو جمله‌ای که خواندم یکی جلوی ابن‌زیاد و یکی هم جلوی یزید. خیلی جمله‌ی عجیبی هستند. می‌فرماید: بله مصیبت‌های بزرگی بر ما وارد شد اما من تو را کوچک می‌شمارم. این عزت حسینی است. سرکوب تو را بسیار مهم می‌دانم. یک زن اسیر این‌طور قهرمانی از خود نشان دهد، در تاریخ نمونه ندارد. درحالی‌که آن جنگ و شهادت‌ها را دیده است و الآن هم هیچ تضمینی بر زنده بودنش باقی نیست. «**أني و الله يا عدو الله و ابن عدوه أستصغر قدرك و أستعظم تقريعك‏ »** من تو را کوچک می‌شمارم و سرکوب تو را مهم می‌دانم. جمعیت داخل کاخ، تکان خورد. یک زن اسیر این‌طور استوار و عزتمندانه سخن می‌گوید. این هم بخش‌های دیگری از عزت عاشورا و بزرگی بود که در تاریخ عاشورا مجسم شد و در هیچ جای دیگر تاریخ، چنین چیزی وجود ندارد. البته این عزت، با آن همه زجر و سختی‌ها همراه بود.

## روضه

**السلام علیک یا اباعبدالله و علی الارواح التی حلت بفنائک**. در تاریخ این‌طور نقل‌شده که در میانه‌ی راه که خبر شهادت مسلم به حضرت رسید، در قافله و همراه امام حسین(ع) دختری از حضرت مسلم بود. این‌طور نقل‌شده است. دختر یازده‌ساله‌ای از حضرت مسلم همراه امام حسین(ع) بود. وقتی‌که خبر شهادت مسلم به حضرت رسید، حضرت از جای خود حرکت کردند و به داخل خیمه آمدند. جایی که زنان و کودکان جمع بودند. طبعاً در درون امام، یک تلاطم بزرگی وجود داشت؛ چون تمام امید این قافله به این بود که مسلم تمام اقتدار و قدرت کوفه را به دست می‌گیرد و صحنه تغییر پیدا می‌کند. یکی از بدترین شرایط وقتی بود که شهادت مسلم به حضرت می‌رسد. طبعاً در درون حضرت، ناراحتی فراوانی وجود دارد. در مقتل این‌طور آمده است که حضرت از جای خود بلند شد و به درون خیمه آمد. در میان کودکان، دختر یازده‌ساله‌ی مسلم را پیدا کرد و فرمود: او را پیش من بیاورید. هنوز خبر شهادت مسلم پخش نشده است. حضرت وارد خیمه شدند و فرمودند: دختر مسلم را بیاورید. دختر حضرت مسلم را آوردند و حضرت یک تفقد خاصی با این دختر به عمل آورد. او را نوازش کرد. با او صحبت کرد و به او آرامش و اطمینان می‌داد و به نحوی بیش از دیگران و بیشتر از روزهای گذشته، دختر مسلم را نوازش کرد. با او صحبت کرد و بیشتر با او صحبت کرد. وقتی دختر این نوازش را دید و وضع برخورد امام حسین(ع) را دید گفت: قبلاً تو با من این‌طور صحبت نمی‌کردی؟ من هم مثل سایر کودکان قافله بودم. امروز چه شده که مرا این‌طور مورد تفقد و نوازش قراردادی؟ گمان می‌کنم که پدرم به شهادت رسیده است. امام وقتی‌که این جمله را از این دختر شنید، دیگر تحمل نکرد و ناگهان شروع به گریه کرد و بعد فرمود: دختر عزیزم نگران نباش. پدر تو به شهادت رسید ولی من به‌جای پدر تو هستم. این صحبت‌ها که بین امام و دختر ردوبدل شد، همه متوجه شدند. راوی می‌گوید: ناگهان صدای گریه‌ی زنان و کودکان بلند شد. باید به امام حسین(ع) این‌طور خطاب کنیم که وقت یتیمی دختر مسلم تو آمدی و دختر را نوازش دادی، تفقد کردی؛ اما بعد از شهادت شما به‌جای این‌که کسی کودکان شما را دلداری دهند، لشکر به خیمه‌ها حمله کرد. به‌جای دلداری فرزندان شما خیمه‌ها را سوزاند. **«** **وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُون»[[18]](#footnote-18)**‏

**«بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ»[[19]](#footnote-19)**

صدق الله العلی العظیم.

خطبه‌ی دوم

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقۀ الطاهرۀ فاطمۀ الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنۀ و علی ائمۀ المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسۀ العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالۀ النبیین و صفوۀ المرسلین و عترۀ خیرۀ رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[20]](#footnote-20)عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله** همه‌ی شما خواهران و برادران و خودم را به پارسایی و پرهیزکاری، به یاد مرگ در همه‌ی احوال و یاد قبر و قیامت در همه‌ی احوال زندگی و به یاد خداوند و شکر و سپاس خداوند، سفارش و دعوت می‌کنم. خداوندا به همه‌ی ما توفیق شکر و ذکر خودت در همه‌ی احوال، عنایت و کرامت بفرما.

## علی(ع) و توصیه‌ به رعایت تقوای الهی

فرازی از سخنان امیرالمؤمنین(ع) در توصیه به تقوا را خدمت شما تقدیم می‌کنم. «**أُوصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أُحَذِّرُكُمُ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا دَارُ شُخُوصٍ وَ مَحَلَّةُ تَنْغِيص**‏»[[21]](#footnote-21) بندگان خدا‌، شما را به تقوا و پارسایی توصیه می‌کنم و شما را از دنیا بر حذر می‌دارم. دنیا جای رفتن است و جای غصه‌هاست. سرنشینان عالمی که جای غصه و جای کوچ است، باقی نخواهند ماند و دل‌بستگان این دنیا باید روزی این دنیا را بر جای گذارند و به‌سوی خدا حرکت کنند. «**تَمِيدُ بِأَهْلِهَا مَيَدَانَ السَّفِينَةِ تَقْصِفُهَا الْعَوَاصِفُ فِي لُجَجِ الْبِحَار**» این عالم مانند سرنشینان کشتی هستند که در طوفان‌ها قرار گرفته و امواج طوفانی دریا، این کشتی را به این‌سو و آن‌سو به حرکت در می‌آورد و جای آرامش، در کشتی طوفان‌زده نیست. دل به کشتی طوفان‌زده‌ی دنیا نبندید. این عالم در طوفان بلاها و سختی‌ها در تلاطم است. برخی در این طوفان‌ها غرق می‌شوند و به پایان عمر خود می‌رسند و گروهی هم که باقی می‌مانند، سوار بر موج‌های طوفانی دنیا هستند. دنیا جای آرامش مطلق و آسایش کامل نیست. از این دنیا در این دنیا درحالی‌که فرصتی به دست شما هست، بهره‌ای برای آخرت برگیرید و توشه‌ای بیاندازید. امیدواریم که خداوند به همه‌ی ما توفیق فهم این معارف و عمل به حقایق نورانی، عنایت بفرماید.

## نام‌گذاری سال 81 به سال عزت و افتخار حسینی

ابتدا ایام سوگواری امام حسین(ع) و عاشورای حسینی که مظهر همه‌ی درس‌های بزرگ اخلاقی و معنوی و الهی است برای همه‌ی ما بالاترین الگوی زندگی و مرگ هست را خدمت شما خواهران و برادران سوگوار، تسلیت عرض می‌کنم و همان‌طور که عرض شد سال 81 به دلیل این‌که بر دو عاشورا مشتمل شده و هم با عاشورا شروع می‌َشود و هم با ذکر و یاد امام حسین(ع) به پایان می‌رسد، از طرف مقام معظم رهبری به‌عنوان سال عزت و افتخار حسینی نامیده شده است که هم وجود دو عاشورا در این سال و هم شرایطی که ما امروز در دنیا و در برابر تهدیدهای ستمکاران و وارثان یزید داریم، این اقتضا را داشت که سال امام حسین(ع) باشد منتها به چیزی تکیه شود که امروز ملل عالم و ملت ما نیاز به اقتدای به امام حسین(ع) در آن جهت دارد و آن عظمت و دلیری و شجاعت در برابر دشمنان بی‌منطق است.

## حادثه‌ی 11 سپتامبر، مهم‌ترین واقعه در سال 80

من راجع به آنچه در سال 80 واقع شد فقط به همان قضیه‌ی 11 سپتامبر و آنچه در خطبه‌های قبل راجع به آن صحبت کردم، اشاره می‌کنم. اگر مهم‌ترین حادثه را در سال 80 نام ببریم واقعه‌ی 11 سپتامبر و آنچه به دنبال آن اتفاق افتاد، باید به آن اشاره‌کنیم. در این مورد تحلیل‌های مختلفی در چند خطبه داشته‌ام. امروز هم به نکات تازه‌ای می‌خواهم اشاره‌کنم. من در همین ایام کتابی که استراتژی قرن 21 آمریکاست و کمیسیون امنیت ملی کنگره‌ی آمریکا آن را تنظیم کرده را خواندم و برای من این کتاب که گزارش و تحلیلی است که کمیسیون امنیت ملی کنگره‌ی آمریکا تهیه کرده، کتاب خواندنی است و نشان‌دهنده‌ی آن اهداف و اغراضی است که آمریکا تعقیب می‌کند. جالب این است که این کتاب، قبل از این حادثه نوشته شده است. این کتاب نشان‌دهنده‌ی چند چیز است که من از منظر خودم به چند نکته اشاره می‌کنم.

### علت پدید آمدن جنایاتی مانند 11 سپتامبر

یکی از چیزهایی که این‌ها در این کتاب به آن توجه کردند ولی درصدد راه حل درست برنمی‌آیند، طبیعت رشد و توسعه‌ی تکنولوژی در قرن 20 هست. در قرن بیستم تحولات صنعتی و تکنولوژی عظیمی در عالم رخ داد؛ اما این تحولات صنعتی و فناوری که در عالم اتفاق افتاد و بخشی از آن‌هم به آمریکا و بخشی هم به اروپا و ژاپن برمی‌گردد، کاری بود که به‌ظاهر برای رفاه و آسایش بشریت است و ازاین‌جهت هم که فناوری و صنعت و فنّاوری می‌تواند مشکلات بشر را حل کند، چیز خوبی است؛ اما این توسعه و رشد در قرن بیستم همراه با نگاه ناعادلانه و تبعیض‌های فراوان بین‌المللی شده است و نفس این توسعه و رشد در عرصه‌ها و ساحت‌های گوناگون شئون بشر و فناوری‌های گوناگون، چون همراه با یک نگاه عادلانه به بشریت نیست، در ذات خود آبستن پیدا شدن و تحقق حوادث و فتنه‌های بزرگ در عالم است. برای این‌که بشر در تجهیزات و امکانات به‌تمام‌معنا مجهز شده و دائماً هم رو به رشد می‌رود و روند تحقیق و فناوری امروز یک‌روند مهارناپذیر و دائم در توسعه‌ی فزاینده است. این در ذات خود می‌تواند خوب باشد اما به دلیل این‌که این توسعه‌ی زیاد و پیشرفت فناوری و صنعتی با یک وضعیت ظالم و مظلوم همراه شده و در قرن بیستم با دو جنگ جهانی همراه شد؛ با انواع ستم‌هایی که ملل قوی عالم و دولت‌های مقتدر عالم نسبت به ملت‌های ضعیف روا داشتند، این‌یک چیزی است که قابل‌دوام نیست و در ذات خود، فتنه و شورش جهانی را می‌پروراند. این چیزی است که در آن کتاب هم به آن اشاره‌شده و حقیقت هم همین است.

### پیشرفت و توسعه‌ی بشریت و جنگ‌ها و خون‌ریزی‌ها دو روی سکه‌ی قرن بیستم

شما پرونده‌ی قرن بیستم را که ورق بزنید، یک روی سکه، نوآوری‌ها در عرصه‌های گوناگون شئون بشریت است. تحقیقات، فناوری، صنعت، تکنولوژی که زندگی بشر را متحول کرده است؛ اما یک روی سکه هم جنگ جهانی است، جنگ ویتنام است، یک روی سکه رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی است. یک روی سکه آن همه ظلم و ستمی است که در همه‌ی عالم روا داشته شده است. روحیه‌ی استکباری قدرت‌های قوی دنیاست که نسبت به ملت‌های مظلوم دنیا نشان داده‌اند. یک روی این سکه جنگ خلیج فارس است. یک روی این سکه جنگ تحمیلی هشت‌ساله علیه ایران است. یک روی این سکه حوادث و وقایعی است که در فلسطین اتفاق افتاد که نیم‌قرن است که یک ظلم آشکار بر یک میلیارد مسلمان و مردم فلسطین روا داشته شده است. این دو چیز با هم شده است. این ابزار پیشرفته و سلاح پیشرفته طبعاً ممکن است به دست کسانی بیافتد که دل‌خوشی از این نظام سلطه‌جویانه‌ی قرن بیستم و در آغاز قرن 21 ندارند. این نگرانی است که آمریکایی‌ها از خود در کتابی که ذکر شد، نشان دادند و نگرانی درستی است. اولا ما می‌بینیم که این رشد نامتوازن که بااین‌همه ظلم و ستم همراه شده، قابل دوام نیست و پایدار نمی‌تواند باشد؛ از طرف دیگر بخصوص رفتار آمریکایی در برخورد با ملت‌های دیگر برخورد زورگویانه و متکبرانه‌ای است که برای انسان‌های عزیز و بزرگ، قابل تحمل نیست.

این چیزی است که بخصوص در رفتار آمریکایی‌ها دیده می‌شود. آن‌ها در همین کتاب، قبل از حوادث 11 سپتامبر برخی از این وقایع را پیش‌بینی کرده‌اند و کسی اگر این کتاب را بخواند، اولاً نشان می‌دهد که چه مقدار خودشان در موضع ضعف هستند و نظام سلطه‌ی امروز جهانی، نظامی نیست که آن‌ها بتوانند به آن دل ببندند. ممکن است در افغانستان به دلیل شرایط ویژه‌ای که بود، احساس قدرت کنند؛ اما این عقده‌های روحی که در جهان مستضعفان وجود دارد، این ظلم‌ها و ستم‌هایی که آن‌همه زخم را بر پیکر جامعه‌ی بشری وارد کرده، قابل التیام نیست. این کتاب را که می‌خوانیم می‌فهمیم که آن‌ها به دنبال بهانه‌ای می‌گشتند که بتوانند درد‌های خود را معالجه کنند و جایی را پیدا کنند که سوژه شود و به‌جایی تعرض کنند؛ اما همان کتاب نشان می‌دهد که آمریکا یک رژیم بسیار منفعلی است و در معرض خطرهای فراوانی است. ممکن است که چنگ و دندان نشان دهد اما میلیاردها انسان نمی‌توانند این چنگ و دندان را تحمل کنند. چیزی که در کشورهای مختلف دیده می‌شود که از واضح‌ترین آن‌ها وقایعی است که در فلسطین اتفاق می‌افتد؛ جنگ هشت‌ساله‌ای که خود آمریکایی‌ها به ما تحمیل کردند؛ ستم‌هایی که درجاهای مختلف انجام دادند. این‌ها فکر کردند که در افغانستان کاری انجام دادند، می‌توانند در عراق هم کاری انجام دهند. به‌هرحال عراق مثل افغانستان نیست و آن‌ها در مقابل افکار عمومی اعراب هستند و حکومت، در آنجا با افغانستان فرق می‌کند. آسیب‌پذیری‌های فراوانی در خود آمریکایی‌ها وجود دارد.

### عزت حسینی مهم‌ترین درس برای عصر حاضر

من فکر می‌کنم مهم‌ترین شرایطی که امروز ما داریم، مهم‌ترین نکته‌ی آن این است که ما از آن باید الگوی عاشورا الهام بگیریم. همان دوخطی که در عاشورا بود. امام حسین(ع) سوژه به دست دشمن نداد. آغازکننده‌ی جنگی نبود و همواره اتمام‌حجت می‌کرد؛ اما هیچ‌گاه از خود ضعف و خواری و سستی نشان نداد. امروز که جوانان و ملت ما که عزاداری می‌کنند، مطمئناً از امام حسین(ع) این درس را خواهد گرفت. ما ضمن این‌که دارای فکر و منطق هستیم؛ ما با طالبان و گروه‌های آمریکایی متفاوت هستیم و دارای فکر و اندیشه‌ی واضحی هستیم. ضمن این‌که به آن‌ها سوژه و بهانه نخواهیم داد؛ اما از امام حسین(ع) عزت و افتخار و بزرگی و بزرگواری را باید بیاموزیم و نباید از خود ترس و اضطراب نشان دهیم. قطعاً عاشورا این درس را به ما می‌دهد و جوانان ما این درس را از عاشورا فرا خواهند گرفت. ما نه ملتی هستیم که آن‌طور تحجر طالبان را داشته باشیم و نه ملتی بی‌ریشه در تاریخ گذشته هستیم. ملتی باریشه، دارای فکر، تمدن، منطق هستیم و امروز هم بهانه‌ای به دست آمریکا نخواهیم داد تا سوژه داشته باشند؛ اما درعین‌حال ملت ما عاشورایی و کربلایی و حسینی است و قطعاً اگر ما درس عاشورا را در زندگی به کار بگیریم، دشمن هم جرئت تعرض به کشور و ملت ما نخواهد داشت. امیدواریم که این درس‌های بزرگ عاشورا برای امروز ما هم موردتوجه قرار بگیرد.

## توجه به امربه‌معروف و نهی از منکر در این ایام

همین‌طور امربه‌معروف و نهی از منکر که ستون فقرات عاشورا و کربلاست و آن نخ تسبیحی که حوادث عاشورا را به هم اتصال می‌دهد و فلسفه‌ی اصلی و وجودی عاشورا و شهادت امام حسین(ع) هست، امربه‌معروف و نهی از منکر است که امروز بیش از هر زمان دیگر باید در جامعه‌ی ما موردتوجه قرار بگیرد. هفته‌ی امربه‌معروف و نهی از منکر هم هست و امیدواریم که هیئت‌ها و عزاداران ما، روح عزت و حماسه در حسینیه‌ها منعکس کنند. آگاهی و بصیرت را به جوانانی که در حسینیه‌ها حضور پیدا می‌کنند، از عاشورا به همه‌ی آن‌ها منتقل شود.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر(ع) ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

1. . سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . بحارالانوار، ج 44، ص 366. [↑](#footnote-ref-4)
5. . همان. [↑](#footnote-ref-5)
6. . همان، ج 44، ص 374. [↑](#footnote-ref-6)
7. . همان. [↑](#footnote-ref-7)
8. . همان. [↑](#footnote-ref-8)
9. . همان. [↑](#footnote-ref-9)
10. . همان. [↑](#footnote-ref-10)
11. . همان. [↑](#footnote-ref-11)
12. . همان. [↑](#footnote-ref-12)
13. . همان. [↑](#footnote-ref-13)
14. . همان، ج، 44، ص 314. [↑](#footnote-ref-14)
15. . همان، ج 45، ص 9. [↑](#footnote-ref-15)
16. . همان، ج 45، ص 54. [↑](#footnote-ref-16)
17. . بلاغات النساء، ص 36. [↑](#footnote-ref-17)
18. . سوره‌ی شعراء، آیه‌ی 227. [↑](#footnote-ref-18)
19. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-19)
20. . سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-20)
21. . نهج‌البلاغه (صبحی صالح)، ص 310. [↑](#footnote-ref-21)